

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

Analysis and Explanation of the Human Rights Dimensions of Security Surveillance

Mehdi Eslaminia¹, Mohammad Bahadori Jahromi^{*2}, Behrouz Behboudian¹

1. Department of Law, ZAH.C., Islamic Azad University, Zahedan, Iran

2. Department of Law, Faculty of Law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

* Corresponding Author's Email: m.bahadori@modares.ac.ir

ABSTRACT

Ensuring the security of individuals in society while adhering to human rights principles is among the core responsibilities of the state. However, this study, while acknowledging the significance and necessity of this duty, aims to elucidate and examine the impact of citizens' roles and participation in achieving desirable and sustainable security. Undoubtedly, security that stems from the collaboration, empathy, and synergy of various social groups with security institutions is enduring and resilient. Given that there are numerous commonalities—particularly in some key areas of human rights such as the right to life, human dignity, the right to liberty, and the rights to education and upbringing—between Islamic human rights and what is referred to as universal human rights, despite the foundational and ideological differences between them and what we consider as the “rights of the nation” based on the Constitution of our country, and despite the fact that this issue has become a point of pressure, negotiation, and exploitation by major powers, it is essential to design a model encompassing explanatory, defensive, and offensive approaches for interaction within this framework. Clarifying common principles and establishing grounds for joint cooperation—while avoiding insistence on exchanging points of divergence—provides a context for reducing conflicts. Consequently, human rights and human security, due to their shared focus on a common subject—namely, “human dignity” and the development of various dimensions of human life including individual, social, and international aspects—possess the potential for mutual reinforcement and synergy. Human rights provide the necessary legal and juridical foundations for realizing human security strategies, namely “protection” and “empowerment.” In return, human security, by emphasizing the operational dimensions of international human rights instruments—especially economic, social, and cultural rights and the securitization of certain shared concerns with human rights—offers the necessary support for goals explicitly stated in global human rights instruments.

Keywords: human rights, security surveillance, liberty, human security

How to cite: Eslaminia, M., Bahadori Jahromi, M., & Behboudian, B. (2026). Analysis and Explanation of the Human Rights Dimensions of Security Surveillance. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 4(1), 1-15.



تاریخ ارسال: ۲۱ خرداد ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۱۲ شهریور ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۹ شهریور ۱۴۰۴

تاریخ چاپ: ۲ فروردین ۱۴۰۵

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

تحلیل و تبیین ابعاد حقوق بشری نظارت امنیتی

مهدی اسلامی نیا^۱، محمد بهادری جهرمی^{۲*}، بهروز بهبودیان^۱

۱. گروه حقوق، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران

۲. گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: m.bahadori@modares.ac.ir

چکیده

تأمین امنیت افراد در جامعه با رعایت اصول حقوق بشری از وظایف حاکمیت می‌باشد. لکن در این تحقیق ضمن اشاره به اهمیت و ضرورت این وظیفه قصد تشریح و تأثیر نقش و مشارکت مردم در تحقق امنیت مطلوب و پایدار داریم. قطعاً امنیتی که برگرفته از همراهی، همدلی و هم افزایی اقشار مختلف جامعه با نهادهای متولی امنیت باشد پایدار و خدشه ناپذیر است. از آنجا که، مشترکات فراوان به ویژه در برخی از مقوله‌های مهم حقوق بشری از جمله حق حیات، کرامت انسانی، حق آزادی، حقوق تعلیم و تربیت و... بین حقوق بشر اسلامی و آنچه که از آن به عنوان حقوق بشر جهانی یاد می‌شود وجود دارد، علی‌رغم تفاوت‌های مبنایی و بنیادی با حقوق بشر اسلامی و آنچه که ما به عنوان حقوق ملت بر مبنای قانون اساسی کشورمان به آن باور داریم و به رغم اینکه نقطه فشار و چانه زنی و سوء استفاده قدرت‌های بزرگ قرار گرفته، طراحی مدلی که در برگیرنده شیوه‌های تبیینی، دفاعی و تهاجمی باشد برای تعامل در چارچوب آن ضروری است. تبیین اصول مشترک و ایجاد زمینه‌های همکاری مشترک و پرهیز از اصرار بر تبادل نقاط افتراق زمینه را برای کاهش تعارضات فراهم می‌کند. در نتیجه حقوق بشر و امنیت انسانی به علت آنکه بر موضوعی واحد، یعنی «کرامت انسانی» و توسعه ابعاد مختلف زندگی بشری اعم از فردی، اجتماعی و بین المللی متمرکز هستند، توانایی همپوشانی و تقویت یکدیگر را دارند. حقوق بشر بسترهای حقوقی و قانونی لازم برای تحقق استراتژی‌های امنیت انسانی، یعنی «حمایت» و «توانمندسازی» را فراهم می‌کند و متقابلاً امنیت انسانی با تأکید بر جنبه‌های عملیاتی اسناد جهانی حقوق بشر، به طور خاص حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و امنیتی سازی، برخی دغدغه‌های مشترک با حقوق بشر، از اهداف مصرح در اسناد جهانی حقوق بشر حمایت‌های لازم را به عمل می‌آورد.

کلیدواژگان: حقوق بشری، نظارت امنیتی، آزادی، امنیت انسانی

قانون اساسی و دیگر قوانین موضوعه مصادیق مختلف حقوق بشر را مبتنی بر اندیشه اسلامی به رسمیت شناخته و زمینه‌های تضمین قانونی آن را فراهم نموده است (Mehrpour, 2008).

نظام جمهوری اسلامی ایران تضمین و رعایت حقوق بشر را حتی برای غیر مسلمانان تا جایی که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند به موجب اصل ۱۴ قانون اساسی پیش بینی کرده است و رعایت حقوق انسانی، اخلاق حسنه، قسط و عدل را نسبت به غیر مسلمانان لازم دانسته است.

همچنین به موجب اصل ۸ قانون اساسی، اسلام با قبول اصل امر به معروف و نهی از منکر، آزادی بیان را در مسیر مصالح جامعه و جلوگیری از انحطاط جامعه هدایت کرده است.

حق امنیت از حقوق ذاتی و بنیادین بشر است که تأمین آن ابزاری برای تحقق دیگر حقوق انسانی می‌شود. امنیت گاه به معنای کیفیت، وضعیت و حالتی است که در آن رهایی از خطر، رهایی از تشویش و رهایی از خطر بیکاری آمده است و گاه امنیت به وضعیت مطمئن و امنی گفته می‌شود که شخص در آن می‌تواند با آرامش زندگی کند (Markaz Malmiri, 2006).

امنیت دارای دو وجه سلبی و ایجابی است اما وجه سلبی آن بطور سنتی بیشتر مورد توجه است زیرا معانی امنیت تهدید محورند و برای تأمین امنیت نیز باید این تهدیدات را از بین برد تا حداقل آن حاصل شود (Azizi Alavicheh, 2010).

در واقع برای ایجاد امنیت گاه لازم است تا مجموعه‌ای از اعمال سلبی تحقق یابد تا فرد در برابر تهدیدات و خطراتی که متوجه اوست مصونیت پیدا کند. در این صورت فرد ایمنی یافته و در وضعیت امن قرار می‌گیرد. ممنوعیت شکنجه و مصونیت حریم از اقدامات سلبی برای ایجاد امنیت است. اما گاه با وجود مصونیت از خطرات و تهدیدات، امنیت به وجود نیامده و یا حداقل فرد آن را احساس نمی‌کند. این مسأله به خاطر آن است که خیلی اوقات، نبودن تهدید برای تأمین امنیت کافی نیست و اعمالی

مسأله حقوق بشر امروزه به یکی از دغدغه‌ها و موضوعات اساسی حقوق بین الملل تبدیل شده است و ارکان اصلی سازمان ملل متحد به واسطه درج مسأله حقوق بشر به عنوان یکی از اهداف و اصول سازمان، نگران تضمین رعایت حقوق بشر هستند (Zakerian & Mokhtari, 2019). در حقیقت با طرح عبارت «حقوق بشر» در منشور ملل متحد از سویی این عبارت به کلیدواژه‌ای برای درک مقاصد و صلاحیت‌های ملل متحد تبدیل شد و از سوی دیگر نقطه آغاز تحوکی بود که حقوق بین الملل نوین پس از جنگ جهانی دوم را می‌ساخت. این تحوّل عبارت بود از پذیرش این نکته که حقوق بشر، یک مسأله بین المللی است. این گزاره خود منبعث از گزاره دیگری بود که انسان را در مفهومی استعلایی و بر اساس شأن انسانی خود مستحق حقوق و آزادی‌هایی فارغ از ویژگی‌های عرضی می‌دانست. حقوق بشر که از دو سده پیش به نظام‌های موضوعه راه یافته و به دلایلی سیاسی در قالب مفاهیمی انتزاعی بیان شده، در حال حاضر دچار تحوّل عظیم گردیده و در نتیجه در مبانی کلاسیک «حاکمیت» دگرگونی‌هایی پدید آورده است (Ghorbanpour et al., 2019). با گذشت هفت دهه از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر، حقوق بین المللی بشر تکامل و گسترش یافته است. گسترش رژیم‌های حقوقی بین المللی در زمینه حقوق اساسی از جمله آثار مثبت این گسترش است که توسعه بیشتر حقوق بشر را تضمین و روش‌هایی برای افزایش حمایت قانونی در سطح ملی را فراهم می‌آورد.

نهادهای امنیتی برای تأمین آرامش و آسایش در جامعه و جلوگیری از بروز ناامنی وظایف و مأموریت‌هایی دارند. نگارنده در این تحقیق قصد دارد به وظایف نهادهای امنیتی حول ابعاد نسل‌های حقوق بشر اشاره نماید.

جمهوری اسلامی ایران نیز بر اساس اعتقاد دیرینه اش به حکومت حق و عدل قرآن و با تأسی از کامل‌ترین دین یعنی اسلام، در

ایجابی باید انجام شود تا امنیت به وجود آمده و توسط افراد احساس شود (Monfared & Tabatabaei, 2017).

در مکتب امنیتی جمهوری اسلامی بر خلاف مکاتب غربی که محور تأمین امنیت و منافع فردی است به تأمین امنیت و منافع جمعی توجه شده است. از دیدگاه مکتب امنیتی ما، امنیت سیاسی با اجتماعی پیوندی عمیق دارد زیرا امنیت اجتماعی به دنبال ایجاد امنیت جمعی و مدنی افراد یک جامعه و اقامه نظم است و امنیت سیاسی نیز به معنای تأمین آرامش در زندگی شهروندان در مقابل تهدیدات خارجی و همچنین تضمین حقوق سیاسی افراد برای مشارکت در تعیین سرنوشت اجتماعی و سیاسی آن‌ها از طریق حکومتی مردم سالار و غیر خودکامه است. با این توضیحات می‌توان اذعان کرد امنیت مورد توجه جمهوری اسلامی قوی‌تر شدن برای خودسازی، خودکفائی و جلوگیری از زور، سلطه‌گیری و تجاوز دیگران درحالی که امنیت در مفهوم غربی یعنی سلطه‌گیری، تجاوز و زورگویی است.

در ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است: «هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی را دارد.» در بند ۱ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز مقرر شده که «هر کس حق آزادی و امنیت فردی دارد. هیچ کس نباید تحت بازداشت و یا دستگیری خودسرانه قرار گیرد. هیچ کس نباید از آزادی خود محروم شود مگر در صورتی که قانون و مقررات آئین دادرسی حکم کند.» همچنین در ماده ۵ بند ۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر قید شده: «هر کس حق آزادی و امنیت شخصی دارد.» ماده نهم اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز بیان می‌کند که «هیچ کس نمی‌تواند خودسرانه توقیف، حبس یا تبعید شود.»

از مجموعه این اسناد می‌توان نتیجه گرفت که امنیت وضعیت مطلوبی است که در آن ضمن اطمینان خاطر از عدم تعرض به حقوق و آزادی‌های فردی، زمینه‌ای فراهم شده تا در فضایی منطقی، پیوسته این حقوق بهبود یابند. این نتیجه‌گیری از مضمون

اسناد بین‌المللی منطبق است با تعاریف حقوقی از امنیت که گفته می‌شود «امنیت عبارت است از اطمینان خاطری که بر اساس آن افراد در جامعه‌ای که زندگی می‌کنند در حفظ جان، حیثیت و حقوق مادی و معنوی خود بیم و هراسی نداشته باشند.»

مفهوم حقوق بشر

حقوق بشر، حقی کلی است که هر انسانی طبعاً دارای آن است. این امتیازات در صورت تحقق، معیار واقعی مشروعیت و ملاک محدودیت اقتدار دولت در قبال افراد است. با این حال اصطلاح حقوق بشر از دو قرن پیش به نظام‌های موضوعه راه یافته است. بعد از جنگ جهانی دوم با تدوین منشور ملل متحد و به موجب بند ۳ ماده ۱ آن، تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی یکی از اهداف تأسیس سازمان ملل گردید.

حقوق بشر اساسی‌ترین و ابتدایی‌ترین حقوقی است که هر فرد به طور ذاتی، فطری، به صرف انسان بودن از آن بهره‌مند می‌شود. حقوق بشر در واقع حقوق هر فرد برحسب طبیعت انسانی است که در زبان دینی بعضاً به حقوقی با ابتدا بر «فطرت» از آن یاد می‌شود. بنابراین، جوهره بنیادین حقوق بشر، در نظریات مطرح، «طبیعت» انسانی است که پایه‌های مشترک دو مکتب حقوق طبیعی و حقوق فطری را تشکیل می‌دهد و هرگاه و هرجا که به واسطه امور غیرطبیعی و محیطی، بلکه به دلیل امر و وضع انسانی مقید شود، آنجا سخن از حوزه «حقوق شهروندی» است و در واقع، جایی برای بحث از حقوق بشر وجود ندارد؛ با این توضیح که عامل اطلاق و جهان‌شمولی حقوق بشر، «طبیعت» بشر است و آنچه «تقیید» و سپس «نسبیت» را در «حقوق شهروندی» به وجود می‌آورد و برای آدمی معقول جلوه می‌دهد، «فرهنگ بشر» است.

تعاریفی در خصوص حقوق بشر ذکر شده است: «حقوقی که به صورت خاص، متعلق به هر فرد و ناظر به جوهر و هستی انسانی است.» «حقوق بشر به معنای امتیازاتی کلی است که هر فرد انسانی طبعاً دارای آن است»، «حقوق بشر، حقوق مبتنی بر طبیعت هر فرد

جهت شناسایی چالش‌های مربوط به ستاد حقوق بشر، مقدمتاً لازم است تا جایگاه این ستاد در نظام سیاسی ایران و مصوبات آن در نظام حقوقی کشور تبیین شود.

فصل سیزدهم و اصل ۱۷۶ قانون اساسی به نهاد شورای عالی امنیت ملی اختصاص یافته است. این اصل در جریان بازنگری در قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ به قانون اساسی الحاق شد. برخی شورای عالی امنیت ملی را عملاً جایگزین شورای عالی دفاع ملی قلمداد کرده‌اند (Mehrpour, 2008) و در واقع اصل ۱۷۶ را جایگزین بند ۳ اصل ۱۱۰ سابق که به تشکیل شورای عالی دفاع ملی تصریح کرده بود، می‌دانند (Sharif, 2014). برخی دیگر شورای عالی امنیت ملی را در واقع جایگزین شورای عالی دفاع و شورای امنیت کشور می‌دانند (Vakil & Askari, 2009).

به موجب اصل ۱۷۶، «به منظور تأمین منافع ملی و پاسداری از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی شورای عالی امنیت ملی به ریاست رئیس جمهور، با وظایف زیر تشکیل می‌گردد:

- ۱- تعیین سیاست‌های دفاعی امنیتی کشور در محدوده سیاست‌های کلی تعیین شده از طرف مقام رهبری.
- ۲- هماهنگ نمودن فعالیت‌های سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در ارتباط با تدابیر کلی دفاعی-امنیتی.
- ۳- بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی»

مبتنی بر وظایف ذکر شده برای شورای عالی امنیت ملی، برخی حقوق‌دانان این شورا را مرکز نظام هماهنگ سازی و پیشبرد اقدامات مربوط به امنیت ملی و مرکز ثقل تدابیر امنیت ملی می‌دانند (Ghorbanpour et al., 2019) که با توجه به اطلاق و عموم صلاحیت‌های مذکور و مفاهیمی همچون «امنیت» گستره مداخلات این شورا در اداره امور کشور را باید بسیار وسیع و در حوزه‌های مختلف دانست. توضیح آنکه، در گفتمان‌های مدرن و

انسانی است». در کنار تعاریف مذکور، شاید بتوان گفت که «حقوق بشر، حقوق بنیادین و پایه‌ای است که هر انسان از آن جهت که انسان است، فارغ از رنگ، نژاد، زبان، ملیت، جغرافیا و اوضاع و احوال متغیر اجتماعی یا میزان قابلیت و صلاحیت ممتاز و فردی و هر عنوان عارضی دیگر بر او، از خداوند دریافت کرده است» (Ghari Seyed Fatemi, 2019). برخی از این تعاریف، جامع نیست یعنی حقوق بشر باید فارغ از هرگونه قید و شرط و محدودیتی برای انسان از آن جهت که انسان است، قابل استیفا باشد و نباید مشروط به شروط و اعمال محدودیت‌ها باشد. در این نوشتار سعی شده است تا در دو بخش با بررسی نظریات مطرح در زمینه حقوق بشر از منظر نسبیت‌پذیری، از جمله «نظریه حقوق طبیعی» و «نظریه حقوق قراردادی» و نقد این نظریات به طرح «نظریه حقوق اسلامی» پرداخته شود و در بخش دوم، «اطلاق یا تقیید حقوق بشر در اندیشه اسلامی» تبیین شود. در پاسخ به سؤالات مطرح‌شده، تعریف خود از حقوق بشر را این‌گونه بیان می‌داریم که «حقوق بشر در واقع حقوق هر فرد برحسب طبیعت انسانی است» که در زبان دینی بعضاً به حقوقی با ابتدا بر «فطرت» از آن یاد می‌شود. بنابراین، جوهره بنیادین حقوق بشر، در نظریات مطرح، «طبیعت» انسانی است که پایه‌های مشترک دو مکتب حقوق طبیعی و حقوق فطری را تشکیل می‌دهد و هرگاه و هر جا که به واسطه امور غیرطبیعی و محیطی، بلکه به دلیل امر و وضع انسانی مقید شود، آنجا سخن از حوزه «حقوق شهروندی» است و در واقع، جایی برای بحث از حقوق بشر وجود ندارد؛ با این توضیح که عامل اطلاق و جهان‌شمولی حقوق بشر، «طبیعت» بشر است و آنچه «تقیید» و سپس «نسبیت» را در «حقوق شهروندی» به وجود می‌آورد و برای آدمی معقول جلوه می‌دهد، «فرهنگ بشر» است.

جایگاه ستاد حقوق بشر و مصوبات آن در ایران

پسامدرن، دیگر امنیت ملی صرفاً نظامی گری تلقی نمی‌شود و در ابعاد گوناگون قابل بررسی است. لذا به کارگیری همه امکانات کشور در همه بخش‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی و... جهت نیل به امنیت ملی در معنای واقعی کلمه، الزامی است (Ghari Seyed Fatemi, 2019). بر همین اساس، با عنایت به این که امروزه پیشبرد سیاست‌های ملی در بخش امنیتی بدون استفاده بهینه از همه توانمندی‌ها و امکانات بالقوه و بالفعل ملی امکانپذیر نیست (Azizi Alavicheh, 2010). بندهای ۱ و ۲ اصل ۱۷۶ قانون اساسی بسترهای مقتضی برای تأمین امنیت ملی را فراهم کرده اند و بند ۳ اصل مزبور، کلیه موانع را از سر راه برداشته است و از این طریق سازوکاری جامع برای تحقق اهداف شورای عالی امنیت ملی منظور شد (Zamani, 2014).

اصل ۱۷۶ علاوه بر تعیین هدف قانون اساسی از تأسیس شورای عالی امنیت ملی و وظایف آن شورا، ترکیب اعضای این شورا را مشخص کرده و ترکیب مزبور مؤید اهمیت این شورا است. به واسطه ترکیب و صلاحیت‌های شورای عالی امنیت ملی، این شورا را مستقل از قوای سه گانه و در امور دفاعی و امنیتی در تعامل و ارتباط نزدیک با آن‌ها می‌دانند (Azizi Alavicheh, 2010).

از جمله مهمترین تمهیدات اعضای شورای بازنگری در قانون اساسی جهت فراهم نمودن امکان تحقق وظایف شورای عالی امنیت ملی این است که اصل مزبور، امکان تشکیل شوراهای فرعی را در حوزه‌های مرتبط با وظایف آن شورا فراهم کرده است. عبارت ذیل اصل مزبور مقرر داشته است:

« شورای عالی امنیت ملی به تناسب وظایف خود شوراهای فرعی از قبیل شورای دفاع و شورای امنیت کشور تشکیل می‌دهد. ریاست هر یک از شوراهای فرعی با رئیس جمهور یا یکی از اعضای شورای عالی است که از طرف رئیس جمهور تعیین می‌شود.» بنابراین، به استناد عبارت مزبور، هرگاه شورای عالی

امنیت ملی تشکیل شورایی فرعی به منظور پیشبرد بهتر برخی از امور خود را لازم بداند، می‌تواند رأساً اقدام به تشکیل آن شورا کند. پس از تأسیس شوراهای فرعی نیز حقوقدانان این شوراهای را از نظر سلسله مراتب در ذیل شورای عالی امنیت ملی تلقی می‌کنند و از این جهت معتقدند که این قبیل شوراهای از یک سو باید بر اساس قانون اعمال وظیفه نمایند و از سوی دیگر موظف هستند که از مصوبات و تصمیمات شورای عالی امنیت ملی در محدوده سیاست‌های مقام رهبری تبعیت کنند (Hashemi, 2014).

بررسی شوراهای ذیل شورای عالی امنیت ملی گویای آن است که، دو شورای فرعی در ذیل شورای عالی امنیت ملی قابل شناسایی هستند. شورای فرعی نخست «شورای امنیت کشور» می‌باشد که مطابق حکم رییس شورای عالی امنیت ملی، ریاست آن بر عهده وزیر کشور قرار داده شده است. عمده وظایف شورای امنیت کشور « بررسی جریان‌ات و پیش آمدهای عمده و اساسی امنیت داخلی و اتخاذ تصمیمات و تدابیر هماهنگ در جهت پیشگیری و مقابله با مسائل مربوط به آن» است.

علاوه بر شورای مذکور، مصوبه شماره ۴۳۵ شورای عالی امنیت ملی در سال ۱۳۸۴ اقدام به تشکیل «ستاد حقوق بشر» کرده است. ترکیب ستاد مزبور عبارت است از: ۱. وزیر کشور ۲. وزیر امور خارجه ۳. وزیر اطلاعات ۴. وزیر دادگستری ۵. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ۶. دادستان کل کشور ۷. رئیس دیوان عالی کشور ۸. فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران ۹. رئیس سازمان بازرسی کل کشور ۱۰. رئیس سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمین کشور ۱۱. مسئول کمیته حقوقی دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی ۱۲. معاون امنیت بین الملل دبیرخانه شورا یعالی امنیت ملی ۱۳. دو نفر از حقوقدانان یا قضات با سابقه ۱۴. دبیر ستاد حقوق بشر قوه قضاییه» ریاست این ستاد نیز با رئیس قوه قضائیه می‌باشد و بدین جهت در حال حاضر ساختار این ستاد در ذیل آن قوه تدارک شده است.

▪ توسعه نظری حقوق بشر براساس فکر اسلامی که متضمن شکوفایی در مجامع علمی و روشنفکری جهان اسلام است.

▪ پیگیری و تلاش برای ایجاد یک سازمان و مرکز اسناد حقوق بشری اسلامی از طریق کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی.

منابع تضمین امنیت انسانی در نظام حقوق بشر

تعداد منابعی که در آن‌ها به طور خاص به مساله امنیت افراد انسانی پرداخته شده بسیار زیاد بوده و این منابع عمدتاً در سطوح مختلف بین المللی، منطقه‌ای و ملی تدوین و تصویب شده‌اند. به عنوان نمونه تنها به برخی از موارد اشاره می‌کنم؛ در سطح بین المللی، اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)^۱ در ماده ۳، حق امنیت شخصی هرکس را در کنار حق زندگی و آزادی مورد شناسایی قرار داده و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)^۲ به عنوان یکی از مهمترین معاهدات بین‌المللی در بند ۱ ماده ۹ حق امنیت شخصی هر کسی را در کنار حق آزادی به رسمیت شناخته است.

در سطح منطقه‌ای نیز اسناد مهمی چون کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی (۱۹۵۰) در بند ۱ ماده ۵ حق امنیت شخصی هرکس را در کنار حق آزادی مورد شناسایی قرار داده و کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (۱۹۶۹) نیز در بند ۱ ماده ۷ و منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها (۱۹۸۲)^۳ نیز در ماده ۶ حق مزبور را به رسمیت شناخته‌اند.

با توجه به این که مقوله امنیت انسانی افراد دارای جلوه‌ها و ابعاد مختلفی می‌باشد از حیث هر یک از جلوه‌های مختلف مادی و معنوی نیز مقررات مختلفی در اسناد حقوق بشری جهت تضمین امنیت انسانی مقرر شده‌اند که ذکر آن‌ها فراتر از حد این مختصر است و به عنوان نمونه در این ارتباط می‌توان به ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۲۰ اعلامیه اسلامی حقوق بشر (اعلامیه

مبتنی بر نکات ذکر شده، علیرغم اینکه ساختار و مدیریت این ستاد در ذیل قوه قضائیه تعریف شده، کماکان بایستی این ستاد را یکی از شوراهای ذیل شورای عالی امنیت ملی قلمداد کرد و اعتبار تصمیمات آن را برگرفته از جایگاه شورای عالی امنیت ملی دانست. بنابراین، چه بسا، به استناد صلاحیت مقرر در اصل ۱۷۶ قانون اساسی، رئیس جمهور اقدام به تغییر ریاست این شورا از ریاست قوه قضائیه به وزارت امور خارجه نماید و از این طریق، دبیرخانه و ساختار داخلی آن ستاد در وزارت امور خارجه تشکیل شود. بنابراین، در ترسیم جایگاه ستاد حقوق بشر باید توجه داشت که علیرغم تشکیل این ستاد در ذیل ساختار قوه قضائیه، بایستی به وجهه فراقوه‌ای بودن این ستاد توجه نمود و کماکان آن را به عنوان یکی از شوراهای ذیل شورای عالی امنیت ملی محسوب کرد.

بنا به مراتب فوق، با توجه به جایگاه والای ستاد حقوق بشر در نظام سیاسی کشور و ضرورت ارتباط و هماهنگی تمام ارگان‌های ذیربط با این ستاد، در خصوص موضوعات حقوق بشری و در حدود صلاحیت‌های این ستاد، علی‌الاصول همه مراجع و نهادها مکلف به همکاری با این ستاد هستند. وظایف اصلی ستاد حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران به شرح ذیل است:

- نظارت و پیگیری مواضع جمهوری اسلامی ایران در صحنه بین المللی و مقابله با تهاجمات مطرح شده
- توسعه همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه با کشورها در حوزه حقوق بشر
- پایش وضعیت حقوق بشری در داخل و خارج از کشور به خصوص با تکیه بر مسأله اسلام ستیزی جاری در غرب و تخلفات وسیع حقوق بشری که به اسم مقابله با تروریسم در منطقه و جهان صورت می‌گیرد.

^۳. OAU Doc. CAB/LEG/67/3REV.5, 21 ILM 58(1982)

^۱. GA, Res.217A(III), UN DOC.A/810, 10 Des.1948

^۲. GA Res. No. 2200A (xxI) UN DOC.A/6316(1966)

قاهره)، ماده ۷ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)، ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^۱ و بطور خاص کنوانسیون بین المللی ضد شکنجه و سایر مجازات‌ها یا رفتار ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز (۱۹۸۵) اشاره نموده جهت صیانت از امنیت شخصی افراد به تصویب رسیده‌اند.

به همین ترتیب مقررات متعددی در حمایت از سایر ابعاد مربوط به امنیت انسانی در سطوح مختلف بین المللی، منطقه‌ای و ملی به تصویب رسیده است. به عنوان نمونه تامین امنیت غذایی و حق دسترسی به غذا علاوه بر آنکه در ضمن اسناد بین المللی مهمی چون بند ۱ ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند ۱ ماده ۱۱ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶) مورد حمایت قرار گرفته، به طور خاص نیز مورد اهتمام جامعه بین المللی بوده که از جمله مصادیق توجه به این حق را می‌توان در انتخاب گزارشگران ویژه درباره حق بر غذا در سال ۲۰۰۲ در خصوص نیجر، ۲۰۰۳ درباره کشور برزیل، ۲۰۰۴ (بنگلادش)، ۲۰۰۵ (اتیوپی)، ۲۰۰۶ (گواتمالا، هندوستان، نیجر و لبنان) و... مشاهده نمود. امنیت بهداشتی و حق دسترسی به مراقبت بهداشتی و حمایت از بیماران نیز همواره مورد اهتمام سازمان‌های بین المللی مربوطه نظیر سازمان بهداشت جهانی بوده و علاوه بر این در بند ۱ ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند ۱ ماده ۱۱ و ماده ۱۲ میثاق بین المللی حقوق مدنی سیاسی مورد حمایت قرار گرفته و در سطح منطقه‌ای نیز در ماده ۱۶ منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها (۱۹۸۲) به طور خاص مورد حمایت قرار گرفته و بر این امر تاکید شده که هر فرد حق دارد از بهترین وضعیت سلامت جسمی و روحی قابل حصول برخوردار گردد و دولت‌های عضو منشور انجام اقدامات ضروری جهت حمایت از سلامت مردمشان و ارائه خدمات بهداشتی به آن‌ها را در مواقع بیماری تضمین می‌نمایند.

امنیت زیست محیطی و حمایت در برابر آلودگی‌ها و حق زندگی در محیط زیست سالم که غالباً تحت عنوان حقوق نسل سوم در حوزه حقوق بشر از آن یاد می‌شود نیز در سال‌های اخیر مورد توجه جدی نهادها و سازمان‌های مربوطه قرار گرفته است. اما پیش‌تر از این در قسمت ب بند ۲ ماده ۱۲ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی به طور ضمنی مفاد حق مزبور مورد شناسایی و حمایت قرار گرفته بود و به طور صریح‌تر در سطح منطقه‌ای در ماده ۲۴ منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها (۱۹۸۲) آمده که تمامی ملت‌ها حق بهره‌مندی از محیط زیستی سالم و مناسب را برای توسعه دارند. امنیت شخصی به عنوان مقوله‌ای از امنیت انسانی که شامل طیف نسبتاً گسترده‌ای از حمایت‌های فردی از جمله حمایت فیزیکی در برابر شکنجه، جنگ، حملات جنایی و... می‌شود نیز به طور گسترده‌ای در اسناد بین المللی چون مواد ۴ و ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)، مواد ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۲۰ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) و به طور خاص در کنوانسیون بین المللی ضد شکنجه، مجازات‌ها و رفتارهای غیرانسانی، ظالمانه و تحقیرآمیز (۱۹۸۵) و در سطح منطقه‌ای نیز در مواد ۴، ۵، ۶ و ۷ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (۱۹۶۹) (۲)، مواد ۲، ۳، ۴ و ۵ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی (۱۹۵۰) و مواد ۴، ۵ و ۶ منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها (۱۹۸۲) مورد حمایت قرار گرفته است. امنیت اجتماعی و حفظ فرهنگ‌های سنتی نیز به عنوان مقوله دیگری از ابعاد مختلف امنیت انسانی از همان ابتدا به طور ضمنی مورد توجه بوده و در خلال اسناد مهمی چون ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) و ماده ۱۵ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶) مورد اشاره قرار گرفته و در سطح منطقه‌ای در بند ۳ ماده ۱۷ منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها (۱۹۸۲) بر این نکته تاکید شده که ارتقا و حمایت از اخلاق و ارزش‌های سنتی

^۱. Convention for Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms 1950, 213 UNTS 222 (1950)

بدون توجه به سرحدات خواه شفاها و خواه به صورت نوشته یا چاپ یا به صورت هنری با به هر وسیله دیگر با انتخاب خود می‌باشد. ۳- اعمال حقوق مذکور در بند ۲ این ماده مستلزم حقوق و مسئولیت‌های خاص است و لذا ممکن است تابع محدودیت‌های معینی بشود که در قانون تصریح شده و برای امور ذیل ضرورت داشته باشد:

الف- احترام حقوق یا حیثیت دیگران

ب- حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی یا سلامت اخلاق عمومی " همانطور که دیده می‌شود ماده ۱۹ میثاق آزادی بیان را با مقید به تبعیت از محدودیت‌های معین نموده است. در همین راستا ماده ۲۰ از همان میثاق هرگونه تبلیغ برای جنگ، تبلیغ تنفر نژادی یا مذهبی یا قومی و تحریک و تشویق در این راستا را مخالف اصول حقوق بشری و آزادی بیان دانسته است.

ماده ۲۱ به دولت‌ها اجازه می‌دهد با تصویب قوانین داخلی از تجمعات و تشکیل مجامعی که مخالف امنیت ملی، نظم و ایمنی عمومی و اخلاق جمعی مضر باشد جلوگیری نماید.

ماده ۴ از میثاق حقوق مدنی و سیاسی هم چنین صراحتاً این اجازه را به دولت‌ها می‌دهد که:

هر گاه یک خطر عمومی استثنایی (فوق العاده) موجودیت ملت را تهدید کند و این خطر رسماً اعلام شود کشورهای طرف میثاق می‌توانند تدابیری خارج از الزامات مقرر در این میثاق به میزانی که وضعیت حتماً ایجاب می‌کند اتخاذ نمایند. مشروط بر این که تدابیر مزبور با سایر الزاماتی که بر طبق حقوق بین الملل به عهده دارند مغایرات نداشته باشد و منجر به تبعیضی منحصر بر اساس نژاد-رنگ-جنس-زبان-اصل و منشا مذهبی یا اجتماعی نشود (Ghari Seyed Fatemi, 2019).

ارزیابی مشروعیت قانون گذاری و تصمیمات شورای امنیت

باید به خاطر داشت حقوق به منظور استقرار، لازم است پایه‌های اجتماعی داشته باشد و صرف قانون بدون برآوردن انتظارات

شناخته شده جامعه وظیفه دولت است. در سال‌های اخیر در نشست‌های منطقه‌ای نظیر اجلاس بانکوک و حتی کنفرانس بین المللی وین که منجر به صدور اعلامیه حقوق بشر وین و برنامه عمل گردیده و به این بعد توجه بیشتری صورت گرفته است. مقوله امنیت سیاسی و آزادی‌های سیاسی و حمایت از آن‌ها به طور طبیعی از بدو شکل گیری نظام حقوق بشر مدرن مورد اهتمام جامعه بین المللی بوده است و در زمینه حمایت از آن چه در قالب اسناد عام حقوق بشری و چه در قالب اسناد خاص و در سطوح مختلف مقررات ویژه‌ای تدوین و تصویب شده است. مواد ۱۲، ۱۶ و ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) و مواد ۱۸، ۱۹ و ۲۱ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) و مواد ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی (۱۹۵۰)، مواد ۱۱، ۱۲، ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (۱۹۶۹) و مواد ۸، ۹، ۱۰ منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها (۱۹۸۲) هر یک در مقابل اقدامات کنونی جامعه بین المللی در این عرصه تنها مصداق ناچیزی از این حمایت‌ها در سطح بین المللی و منطقه‌ای در این راستا به شمار می‌آیند.

مسئله امنیت ملی در اسناد حقوق بشری

هر چند بر اساس اسناد متعدد حقوق بشر حق آزادی بیان به رسمیت شناخته شده و بر آن تأکید رفته است اما همین اسناد دایره و گستره این حق را نا اندازه‌ای محدود کرده و به دولت‌ها اجازه داده اند بر اساس قوانین و مقتضیات داخلی قوانینی را در این چارچوب تنظیم نمایند (Sadat Meidani, 2015).

ماده ۱۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی که در واقع از مکمل‌های بیانیه جهانی و منشور سازمان ملل متحد به شمار می‌روند مقرر می‌دارد:

"۱- هیچ کس را نمی‌توان به مناسبت عقایدش مورد مزاحمت و اخافه قرار داد. ۲- هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل

مشروع جامعه دیری نخواهد پایید. بی شک حقوق می‌تواند و می‌باید در واکنش به نیازها و انتظارات اجتماعی که دستکم تا حدی تعیین کننده مشروعیت آن است، تغییر کند، اما این تغییر نمی‌تواند صرفاً بر مبنای ازدیاد کمی قوانین و قواعد صورت گیرد، بلکه باید به درستی به صورت عینی و عمومی دچار تحول و تغییر شود. اگر تحت شرایطی پذیرفته شود که بیشتر تصمیمات شورای امنیت در زمینه مبارزه با تروریسم منطبق بر منشور بوده و قانونمند هستند، اما مشروعیت آن‌ها با چالش جدی می‌تواند روبه‌رو باشد. به اعتقاد بیشتر حقوقدانان منبع غایی مشروعیت در حقوق بین‌الملل رضایت دولت‌هاست، همان‌گونه که مبنای تعهدات آن‌ها نیز همان است (Reisi & Ghorbanipour, 2020).

سازمان باید دارای مجوز صریح و بدون ابهام معاهده باشد تا صلاحیت وضع قانون برای کشورها را به موجب قطعنامه‌های خود داشته باشد. قدرت وضع قانون برای دولت‌ها را نمی‌توان بر اساس هیچ دکترین قدرت یا اختیار ضمنی استوار کرد. دلیل اصلی آن باید این باشد که به تبعیت از ویژگی افقی جامعه بین‌المللی و حاکمیت دولت‌ها فقط در صورتی می‌توانند به هنجارهای حقوق بین‌الملل عمومی ملزم شوند که قبلاً به تعهد آن رضایت داده باشند.

به عبارتی گرچه متن منشور ملل متحد را می‌توان به طرق مختلف از لحاظ حاکمیت دولت و نیز جنبه کارآمدی سازمان تفسیر کرد، ولی علیرغم نظرات و تفسیرهای متفاوت در این خصوص نمی‌توان نتیجه گرفت که مفاد منشور قدرت قانونگذاری احتمالی شورا را رد می‌کند. شورای امنیت این اختیار را دارد که قطعنامه‌های الزام‌آور برای کشورهای عضو سازمان ملل اتخاذ کند. خواه آن‌ها به یک موقعیت خاص اشاره کرده یا به طور کلی به تهدید علیه صلح که مبنای چنین اعمالی باشد. در ضمن کارکرد قانونی شورا این اهمیت حیاتی را دارد که کشورهای عضو حداقل آن را به طور ضمنی پذیرفته و رعایت کنند. هرچند در نهایت این دولت‌ها هستند که قواعد حقوق بین‌الملل را تعیین می‌کنند یعنی رضایت

آن‌ها یک پیش‌نیاز است، اما این دیدگاه لزوماً به وجود قدرت قانونگذاری شورای امنیت خدشه‌ای وارد نمی‌کند، زیرا موافقت کشورهای عضو ممکن است در پذیرش منشور سازمان ملل متحد و نظرات آن‌ها در هنگام تصویب اقدامات قانونی مورد بحث بیان شده باشد. گرچه تعیین محدودیت در اختیارات قانونگذاری شورا به عهده کشورهاست و مصداق این گرایش را می‌توان در اظهارات آنان در اشاره به خلأهای موجود در حقوق بین‌الملل مشاهده کرد. با این حال، اینکه آیا یک قدرت قانونگذاری برای جامعه بین‌المللی مفید است یا نه یک مسئله حقوقی نیست و ممکن است عملکرد آن تنها در مدت زمان طولانی‌تر ثابت شود (Monfared & Tabatabaei, 2017).

با این وجود، برخی حقوقدانان معتقدند که ابتکارات قانون‌گذارانه شورای امنیت باید به نحوی ادامه پیدا کند که در قالب اعمال سازمان‌های بین‌المللی جای بگیرد تا هم بهتر درک و فهمیده شود و هم محدودیت‌های آن مشخص شود. در این قالب فکری است که ابتکارات قانونگذارانه شورای امنیت بدعتی نامشروع قلمداد نخواهد شد. برخی حقوقدانان با جدیت تمام به عدم مشروعیت آن دسته از قطعنامه‌های شورای امنیت که قالب قانونگذاری دارند، رأی داده و بر این باورند که قطعنامه‌های صادره در مبارزه با تروریسم به هیچ وجه نمی‌توانند حالت قانونگذارانه داشته باشند و این امر مشروعیت عمل را به چالش می‌کشد و این عدم مشروعیت در مواردی که قطعنامه مزبور در تضاد با حقوق بشر قرار گیرد، به طور جدی‌تر وجود دارد. در مقابل، برخی حقوقدانان از مشروعیت تصمیماتی که قالب قانونگذارانه دارد دفاع می‌کنند، معتقدند که در نبود سیستم‌ها و مکانیسم‌های کارا در حقوق بین‌الملل، شورای امنیت می‌تواند به خوبی نقش بازوی اجرای حقوق بین‌الملل را در مبارزه با تهدیدات نانوشته علیه صلح و امنیت بین‌المللی ایفا کند و از این طریق با پر کردن خلأها، به توسعه حقوق بین‌الملل بینجامد (Sheikhi, 2010).

همین دلیل، اقدام‌های نظامی شورای امنیت، عملیات حفظ صلح و صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی تنها دامن‌گیر دولت‌های کوچک و ضعیف می‌شود که جزو متحدان اعضای دائم به حساب نمی‌آیند. حتی تلاش‌ها برای اصلاح منشور ملل متحد با وتوی اعضای دائم ممکن است روبه‌رو شود. بنابراین، استانداردهای دوگانه در زمینه مسائل واجد نقض‌های شدید حقوق بین‌الملل بشر همچنان وجود خواهد داشت.^۱

دهه‌های نخستین فعالیت شورای امنیت سازمان ملل متحد با رقابت بین ابر قدرت‌ها همراه بود که خود را در استفاده افراط گونه از حق وتو نشان داد. پس از جنگ سرد استفاده عملی از حق وتو روندی نزولی به خود گرفت اما تهدید به استفاده از آن در مذاکرات پشت پرده اعضا باقی ماند که از آن به «وتو پنهان» یاد می‌کنند. این وتوی پنهان در مقابل وتوی واقعی بود که در نتیجه آن بسیاری از تصمیم‌ها که از سوی اکثریت شورا نیز حمایت می‌شد کاملاً مسکوت گذاشته شد (Navazani, 2011).

نتیجه‌گیری

حقوق بشر به دلیل توجه به امنیت انسانی، توسعه پایدار و حکمرانی خوب، زمینه‌ساز حکمرانی امنیتی را فراهم می‌سازد. این کار با افزایش پاسخگویی نهادهای امنیتی و نظارت مردم بر سازوکارهای امنیتی، زمینه افزایش اعتماد و مشروعیت نظام‌های سیاسی را فراهم می‌کند. به طور کلی سه دسته نظارت جهانی شامل منشوری، معاهداتی و منطقه‌ای شامل قضایی و غیرقضایی بر اجرا و رعایت حقوق بشر قابل اعمال است که این‌ها در ایران نیز ستاد حقوق بشر به علاوه قوانین متعددی از حیث جزایی، اجتماعی و توسعه‌ای چنین نظارتی را اعمال می‌کند. ستاد حقوق بشر در نظام سیاسی ایران با وجود آنکه ساختار و مدیریت این ستاد در ذیل

مسئولیت پذیری اعضای دایم شورای امنیت در قبال نقض‌های شدید بشر

به منظور عیارسنجی مسئولیت‌پذیری اعضای دائم شورای امنیت در قبال نقض‌های شدید حقوق بین‌الملل بشر ابتدا باید ارکان مسئولیت‌حمایت بررسی شود. مسئولیت‌حمایت مفهومی است که بر سه رکن مبتنی است:

الف) مسئولیت هر دولت حمایت از شهروندان در برابر نسل‌کشی، جنایات جنگی و جرایم علیه بشریت.

ب) مسئولیت جامعه جهانی در تشویق و کمک به دولت‌ها به منظور انجام مسئولیت و توانمندشدن در حمایت مقتضی از مردم.

ج) مسئولیت جامعه جهانی در اقدام جمعی بر اساس منشور ملل متحد در مواردی که اقدام‌های یاد شده ناکافی باشند و دولتی نتواند از مردمان در برابر جنایات جنگی، نسل‌کشی و جرایم علیه بشریت حمایت کند.

شورای امنیت به نمایندگی از کلیه اعضای سازمان ملل متحد، متعهد به حفظ صلح و امنیت بین‌الملل است. از آنجا که اعضای دایم شورای امنیت با توجه به توانایی‌های مالی و نظامی خود می‌توانستند هر منطقه‌ای را به آشوب بکشند، حق وتو در نظر این امکان را می‌دهد که دست کم از بروز این فجایع جلوگیری شود. اما از همان ابتدای فعالیت شورای امنیت، به دلایلی چون استفاده بیش از حد و غیرمسئولانه از وتو از سوی اعضای دایم، توفیق‌های اندکی حاصل شد و شورا نتوانست از پس مسئولیت‌های خطیر خود به شکل کارآمدی برآید.

با وجود این، عامل تغییرناپذیر این است که به دلایل سیاسی، پیش‌نویس قطعنامه‌هایی که واجد نقض حقوق بشر در کشورهای متحد اعضای دائم است با ریسک وتو اعضای دائم روبه‌رو می‌شود. به

¹. Chesterman, Simon, 2015. "Relations with the UN Secretary-General," in: von Einsiedel, Malone, Stagno Ugarte (eds), The Security Council in the 21st Century.

مراکز بازداشت، بررسی شکایات مربوط به نقض حقوق بشر، و انجام تحقیقات مستقل باشد. ستاد حقوق بشر باید با سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشر در زمینه نظارت امنیتی همکاری کند. این همکاری می‌تواند شامل تبادل اطلاعات، دریافت کمک‌های فنی، و شرکت در کنفرانس‌ها و سمینارهای بین‌المللی باشد.

به طور خلاصه، وظیفه ستاد حقوق بشر در نظارت امنیتی، تضمین احترام به حقوق بشر در این زمینه است. این وظیفه از طریق تطبیق قوانین و رویه‌ها با موازین حقوق بشری، نظارت بر اجرای قوانین، آموزش و آگاهی‌بخشی، ارائه گزارش و توصیه‌های سیاستی، و همکاری با سازمان‌های بین‌المللی انجام می‌شود.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The intersection of human rights and security surveillance has emerged as a vital issue in contemporary jurisprudence and international legal scholarship. As states grapple with safeguarding public order while upholding individual freedoms, the challenge lies in reconciling national security imperatives with the universal principles of human dignity, liberty, and due process. The present study delves into the human rights dimensions of security surveillance within the legal and constitutional framework of the Islamic Republic of Iran, paying particular attention to the participatory role of citizens in shaping a sustainable and inclusive security environment. The central argument is that genuine and lasting security is most effectively achieved when it is underpinned by civic collaboration and trust in state institutions. While the Islamic approach to human rights is grounded in religious doctrine, it shares

قوه قضائیه تعریف شده، یکی از شوراهای فرعی ذیل شورای عالی امنیت ملی است و واجد شان فراقوه‌ای می‌باشد و عمده ترین صلاحیت آن، طرح مسائل حقوق بشری جمهوری اسلامی ایران در نهادهای بین‌المللی است. در نتیجه ضمن تحقق امنیت مطلوب و پایدار در جامعه و بهره‌گیری از ظرفیت و مشارکت مردم در تأمین امنیت (امنیت مردم پایه) از بروز تبعات منفی در عرصه داخلی و بین‌المللی جلوگیری نمود.

در این پژوهش به وظایف ستاد بشری در نظارت امنیت پرداخته شده است که ستاد حقوق بشر باید اطمینان حاصل کند که کلیه فعالیت‌های نظارت امنیتی با موازین حقوق بشری مطابقت دارند. این شامل بررسی قوانین، آیین‌نامه‌ها و رویه‌های مربوط به نظارت امنیتی و ارائه پیشنهادهایی برای اصلاح آن‌ها در صورت لزوم است. ستاد حقوق بشر باید بر نحوه اجرای قوانین و رویه‌های مربوط به نظارت امنیتی نظارت کند تا اطمینان حاصل شود که حقوق افراد در عمل نقض نمی‌شوند. این نظارت می‌تواند شامل بازدید از

several substantive overlaps with the international human rights regime, especially in regard to the right to life, freedom of expression, and access to education. Despite these normative convergences, power dynamics in international relations often instrumentalize human rights discourses, leading to coercive diplomacy and selective enforcement. As such, the authors argue for the construction of a tripartite model—explanatory, defensive, and offensive—to strategically engage with global human rights mechanisms while asserting national sovereignty and cultural specificity. The study advocates for clarifying areas of consensus and cultivating cooperative frameworks that do not exacerbate ideological divides, thereby reinforcing both national and international commitments to the common good of humanity.

The research further emphasizes that human rights and human security are mutually

reinforcing paradigms, each contributing to the enhancement of the other. Human rights provide the normative and legal infrastructure for ensuring protection and empowerment—two pillars of human security—while the operationalization of human security strategies allows for the realization of economic, social, and cultural rights in practical and context-sensitive ways. In examining this symbiosis, the authors underscore the importance of national legal instruments, including Iran's Constitution and statutory laws, in embedding human rights guarantees. For instance, Article 14 of Iran's Constitution recognizes the obligation to protect non-Muslims' rights as long as they do not conspire against the Islamic Republic, and Article 8 upholds the principle of enjoining good and forbidding evil, thereby offering a religious foundation for collective accountability and freedom of expression. The paper highlights the necessity of both negative and positive obligations in achieving comprehensive security: prohibitions against torture and arbitrary detention are not sufficient unless complemented by proactive state measures to foster a sense of safety and dignity among citizens. This nuanced approach aligns with evolving understandings of security, which no longer rely solely on the absence of threats but also encompass the psychological and social dimensions of human well-being (Azizi Alavicheh, 2010; Monfared & Tabatabaei, 2017).

Additionally, the study explores the evolving architecture of Iran's human rights oversight mechanisms, particularly the role of the Human Rights Headquarters (HRH) under the Supreme National Security Council (SNSC). Drawing from the provisions of Article 176 of the Iranian Constitution, which delineates the SNSC's authority in coordinating national security policy, the research contextualizes the HRH as a key institutional actor with cross-branch

jurisdiction and strategic autonomy. Despite its administrative linkage to the Judiciary, the HRH's operational scope and decision-making legitimacy stem from its constitutional affiliation with the SNSC. The analysis traces the structural evolution of the HRH, which was formalized through Resolution No. 435 of the SNSC and comprises high-ranking officials from various ministries, law enforcement agencies, and judicial bodies. This cross-sectoral composition reflects an integrated approach to human rights governance, where issues such as counterterrorism, religious freedom, and information transparency intersect with broader national security concerns (Hashemi, 2014; Mehrpour, 2008; Sharif, 2014). The study also examines the HRH's mandate in monitoring, reporting, and engaging with international organizations, thus positioning it as both a domestic watchdog and a diplomatic liaison. By analyzing its institutional framework, the article contributes to a more nuanced understanding of how security policies can be aligned with human rights standards without undermining state authority.

The article also investigates the sources of human security under international human rights law, analyzing the multilayered legal protections afforded at global, regional, and national levels. The authors survey key instruments such as the Universal Declaration of Human Rights (1948), the International Covenant on Civil and Political Rights (1966), and regional charters like the African Charter on Human and Peoples' Rights (1982) to map out the normative foundations of personal, social, and environmental security. These texts collectively affirm the indivisibility of rights and highlight how human security extends beyond mere physical safety to include access to food, healthcare, education, and a healthy environment. For instance, Article 25 of the UDHR and Articles 11 and 12 of the ICESCR codify the right to adequate food and the

highest attainable standard of health, while environmental security is increasingly recognized through rights-based approaches to sustainability. Furthermore, the study illustrates how special rapporteur mechanisms and international monitoring bodies operationalize these rights by conducting field assessments and issuing country-specific recommendations. By anchoring security in human rights principles, the international community underscores the imperative that national security measures must conform to globally accepted norms rather than be arbitrarily imposed (Ghari Seyed Fatemi, 2019).

The tension between national security and civil liberties is further explored through a critical review of legal restrictions on freedoms under international law. While instruments such as the ICCPR affirm the right to freedom of expression, assembly, and association, they also recognize permissible limitations under conditions of national emergency or public order. Articles 19, 20, and 21 of the ICCPR provide a framework for assessing when and how states can impose restrictions, requiring such measures to be lawful, necessary, and proportionate. The authors note that international law permits derogations only in exceptional circumstances and under strict procedural safeguards. However, the ambiguity surrounding terms like "national security" has often led to broad and subjective interpretations, enabling the enactment of repressive laws under the guise of counterterrorism. The study critiques this trend and calls for legal clarity, judicial oversight, and public accountability to ensure that surveillance and intelligence practices do not violate fundamental rights. Moreover, the paper addresses the legitimacy crisis confronting the United Nations Security Council, particularly regarding its legislative-like resolutions in the post-9/11 era. Debates around the legality of Security Council

decisions, especially those perceived as bypassing state consent, underscore the need to reconcile sovereign equality with global governance imperatives (Reisi & Ghorbanipour, 2020; Sheikhi, 2010).

Lastly, the article interrogates the political accountability of permanent members of the Security Council in responding to grave human rights violations. Using the doctrine of the "Responsibility to Protect" (R2P) as a conceptual lens, the study outlines the threefold obligation of states and the international community: to prevent, react to, and rebuild in the face of atrocities such as genocide and crimes against humanity. Yet, the persistent use of veto power by permanent members has hindered collective action in crises, perpetuating a culture of impunity and double standards. The authors draw attention to the phenomenon of the "hidden veto," where behind-the-scenes diplomatic threats suppress potentially transformative resolutions. This practice has eroded the legitimacy of the Security Council and stymied its effectiveness in upholding international peace and justice. Furthermore, the article critiques the selective application of international criminal law, noting that powerful states and their allies often escape accountability while weaker nations are disproportionately targeted. Despite calls for reform and the establishment of more equitable legal mechanisms, structural asymmetries within the UN system remain entrenched. The study thus urges a rethinking of global security governance that centers human dignity, equity, and shared responsibility, aligning international practices with the foundational ethos of human rights law.

In conclusion, this study offers a comprehensive examination of the normative, institutional, and operational dynamics surrounding the human rights implications of security surveillance. It emphasizes the

importance of integrating human rights frameworks into national security policies, particularly through the active engagement of civil society and oversight institutions such as Iran's Human Rights Headquarters. By articulating a hybrid model that combines explanatory, defensive, and offensive legal strategies, the authors provide a pathway for states to navigate the complex interface between sovereignty and universal human rights obligations. The findings underscore that sustainable security is not achieved solely through coercive means but through inclusive governance, rule of law, and a commitment to the inherent dignity of all individuals.

References

- Azizi Alavicheh, H. (2010). *Conceptualizing Security: A Review of Security Threats*. Strategic Studies Research Institute.
- Ghari Seyed Fatemi, S. M. (2019). *Contemporary Human Rights* (Vol. 1). Negah Moaser.
- Ghorbanpour, A., Ranjbari, A., & Mazhari, M. (2019). Explaining the Nature and Powers of Iran's Supreme National Security Council with Emphasis on Decisions Related to Nuclear Activities. *Legal Strategy*, 1(4), 131-164.
- Hashemi, S. M. (2014). *Constitutional Law of the Islamic Republic of Iran* (Vol. 2). Mizan Publishing.
- Markaz Malmiri, A. (2006). *Rule of Law: Concepts, Foundations, and Interpretations*. Iranian Parliament Research Center.
- Mehrpour, H. (2008). *Concise Constitutional Law of the Islamic Republic of Iran*. Dadgostar Publishing.
- Monfared, M., & Tabatabaei, S. A. (2017). A Review of Human Rights Treaty Bodies' Mechanisms. *Islamic human rights studies*(12).
- Navazani, B. (2011). The UN Charter and Fundamental Reforms in the United Nations. *Journal of Political and International Approaches*(7), 71.
- Reisi, L., & Ghorbanipour, M. (2020). The Legitimacy of the UN Security Council's Legislative Authority in Combating Terrorism: A Self-Reconstruction of International Law. *Journal of Public Law Studies*(50).
- Sadat Meidani, S. H. (2015). *Legislative Competence of the UN Security Council*. Ministry of Foreign Affairs Publishing Center.
- Sharif, M. (2014). A Review of the Doctrine of Unlimited Powers of the UN Security Council. *Ettelaat*.
- Sheikhi, M. B. (2010). A Perspective on the Legal Status of the UN Human Rights Council. *Journal of Law and Political Science, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran*(40).
- Vakil, A., & Askari, P. (2009). *The Constitution in the Current Legal Order*. Majd Publications.
- Zakerian, M., & Mokhtari, B. (2019). An Analysis of the Performance of the UN Human Rights Council's Special Procedures Mechanism in Promoting Respect for Human Rights. *Quarterly of International Organizations*(6).
- Zamani, S. G. (2014). *Law of International Organizations*. Shahre Danesh Publications.